

کودکان یکی از قربانیان جنگ، گرسنگی، فقر و یا به طور ساده استثماری نظام سرمایه داری هستند. سیستم حاکم در جامعه نه تنها حامی حقوق کودکان نمی باشد بلکه باعث ایجاد شرایط غیر انسانی هم برایشان می گردد. جنگ و عوارب مخرب آن این امر را به وضوح نشان می دهد.

تقریباً ۹۰٪ قربانیان جنگ از اشخاص غیرنظامی تشکیل می شود که ازدیادی در مقایسه با قربانیان جنگ جهانی یعنی ۶۵٪ می باشد. حداقل نصف قربانیان جنگ کودکان هستند یعنی امروزه تعداد کودکانی که در جنگ جان می سپارند بیشتر از اشخاص نظامی می باشد.

بر طبق آمار یونسف هر روزه ۲۵۰۰۰ کودک تحت خطرهای که به دلیل جنگ ایجاد می شود قرار دارند. هزاران کودک که هر روزه می میرند و یا زخمی می شوند سربازان و یاکمک سربازان جنگند. تنها در ۱۰ سال اخیر سازمان ملل اعلام داشته است که

۲ میلیون کودک به دلیل اختلافات مسلحانه جان سپرده اند

۱ میلیون کودک والدینشان را در جنگ از دست داده اند

۱۵ میلیون کودک آواره شده اند

۶ میلیون کودک زخمی و یا معلول شده اند

کشتن و آزارهای بدنی و روانی نسبت به کودکان و زنان شیوه جدیدی است که گروه های مختلف برای نابودی همدیگر از آن استفاده می کنند. نه تنها دهکدها، بیمارستانها، مدارس و به خاک کشیده می گردد، بلکه از کودکان مانند هدفهای بمب و تابلوهای گلوله استفاده می شود.

دشوارترین حادثه ای که برای یک کودک می تواند رخ دهد جدایی آنها از والدینشان می باشد. علاوه بر رنجهای روانی که به دلیل جنگ ایجاد می گردد، متلاشی شدن خانواده ها بسیاری از کودکان را مجبور میکند که به سربازهای اجباری تبدیل شوند و یا تحت تجاوز قرارگیرند. همچنین شرایط کسب درآمد کاری بسیار محدود است و کودکان امکان اینکه به مدرسه بروند را ندارند. بیشتر خانواده ها مجبورند که از خانه هاشان بگریزند و در محیطهای تنگ و با امکانات سخت زندگی کنند. تعداد کودکانی که به دلیل عوارض جنگ مانند آب کشیف، غذا ناکافی و بیماریهای مسری می میرند، بیشتر از تعدادی بچه هایی است که در جنگ جان می سپارند.

خطر تجاوز دختران و زنان بسیار زیاد و رایج است. سربازان در گذرشان از دهکده ها به دختران و زنان جوان تجاوز می کنند و یا آنها را می دزدند و همچون برده های سکس با آنها رفتار می نمایند. تجاوز در کشورهایمانند یوگسلاوی به عنوان شیوه ای برای ایجاد فشار روحی زنان و تحقیر دشمنان استفاده می شود. آگاهی در مورد خطر تجاوز باعث می شود که خانواده ها دختران خود را در خانه محدود کنند و اجازه رفتن به مدرسه را به آنها ندهند، امری که مسبب نتایج منفی برای دختران دارد.

بر طبق آمار یونسف حدوداً ۳۰۰۰۰۰ کودک سرباز در جهان وجود دارد که زیر ۱۸ سال می باشند و بطور مستقیم و یا غیر مستقیم در جنگ شرکت دارند اما بعضی از کودکان سرباز فقط ۶ یا ۷ ساله می باشند که بیشتر در کشورهایمانند افغانستان، سودان، کلمبیا و... رایج است. سربازان نظامی این کودکان را به جنگ فرا می خوانند و یا آنها را می دزدند و برای اینکه جلوی فرارشان را بگیرند گاهی آنها را مجبور میکنند که والدینشان، برادر و یا خواهرهاشان را بکشند. از جمله استفاده های که از این کودکان می شود کشف مین ها و

جا تمیز کردن برای گروه های مسلحه می باشد.

سوءاستفاده و تجاوز کودکان موجب نتایج مخرب جسمی و روحی برای کودکان از جمله اعتیاد و بیماریهایی جنسی می گردد. تعداد کودکان که در جنگ جان می سپارند و یا زخمی می شوند بیشتر از بزرگسالان است که دلیل آن دانش، تمرین و تجربه ناکافی می باشد. بازگشت به زندگی معمولی لازمه فراهم آوری امکانات و پشتکاری زیادمثلا بازگشایی مدارس، محیط امن، تسکین ضربه روحی و می باشد.

امروزه حدودا ۱۱۰ میلیون مین در ۶۲ کشور مخصوصا در کشورهای آفریقایی و آسیایی وجود دارد. کودکان مثل همیشه جزو گروهی هستند که به دلیل انفجار مین کشته و یا آسیب می بینند. بر طبق آمار بدست آمده از پنج قربانی مین یک کودک می باشد که هر ماه تقریبا ۸۰۰ کودک به دلیل انفجار مین کشته و یا فلج می شوند.

اما قانون حقوق مدافع کودکان چه می گوید؟

بر طبق قوانین حقوق کودکان ملل § ۳ حق کودک می باید همیشه در درجه اول قرار بگیرد. اما این گفته با آمارهای جمع آوری شده از طرف یونسف تناقض بسیاری دارد. اینکه حقوق کودکان می باید در اولویت قرار گیرد، جا در دنیای واقعی ندارد.

قانون ۶ اظهار می دارد که هر کودکی حق دارد که زندگی کند و تکامل یابد. اما چگونه می توان به کودکانی که در شرایط جنگی، در محیطی که آدمها همدیگر را به کشتار می کشند و آنها هر روز شاید مرگ پدر، مادر و یا نزدیکانشان هستند و مورد تجارز قرار می گیرند وعده تکامل و زندگی داد.

طبق قانون ۳۹ کودکانی که تحت شکنجه، سوء استفاده قرار گرفته اند حق دارند که از امکانات مناسب برای بهبودی جسمی و توان بخشی برخوردار باشند. اما سوال این است که آیا کسی به ایجاد این امکانات ارجعیت می دهد، زمانیکه که گرسنگی و ناامنی مشکل مهمی در این کشورها به شمار می آید؟ و چطور می تواند کودکان به جامعه سالم و عادی خود بر گردند تا زمانیکه جنگ قدرتها همچنان به بقای خود ادامه می دهد؟

یونسف به شکلهای مختلف سعی می کند که تاثیرات منفی جنگ را در بین کودکان کاهش دهد مثلا از طریق کمک شایسته در مواقع حادثه های ناگهانی و یا از کودکانی که از والدینشان جدا شده اند مواظبت می کند و سعی می کند که پدر و مادرانشان را از طریق رادیو، تلویزیون پیدا کند.

کمکهای سازمان یونسف را باید سپاس نمود اما این گفته های زیبا و کمکهای ذکر شده برای کودکانی که هر روز تجاوز می شوند، از بیماریهای مسری و مین جان می سپارند، دچار سوء تغذیه هستند و تا زمانیکه کشتار انسانها همچنان ادامه دارد، کفایت نمی کند.

جمع آوری شده از www.unicef.se